

ارزیابی درس‌های خاورمیانه معاصر در دانشگاه‌های آمریکا*

نویسنده: L.A. Salem

ترجمه: مریم معزی**

به یاد استاد دکتر عبدالهادی حائری که ضرورت‌نسانانیدن
همهٔ سویهٔ امپریالیسم را آموخت.

روزگاری که دانشجوی فوق لیسانس تاریخ دانشگاه فردوسی بوم، در درم زیان خارجه که با مرحوم استاد دکتر عبدالهادی حائری دانشیم، ایشان مقاله‌ای را برای ترجمه به این جانب مرحمت کردند. آن کار دانشجویی که نخستین تجربه نگارنده در ترجمه بود به انجام رسید و بعدها با تشویق ایشان و حمایت مرحوم دکتر خواججویان، علی‌رغم اشتباهاتی که بر اثر بی‌تجربگی مترجم داشت، در چند جا به چاپ رسید. جان مایهٔ آن مقاله بلند که از سوی جمعی از ایران‌شناسان برجسته تهیه شده بود، بررسی مطالب مربوط به خاورمیانه در کتاب‌های دبیرستانی آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) بود و بسیار محققانه و با نکتہ‌سنجی بسیار نشان داده شده بود که این کتاب‌ها عموماً به حفظ و تقویت همان تصورات کلیشه‌ای قدیمی غریبان از خاورمیانه، در اذهان نوجوانان آمریکایی می‌پردازند و به جای دادن آگاهی‌های سودمند و اطلاعات به روز درآمده، مغالبت نادرست و گاه متفرضانه‌ای را مطرح می‌کنند. مرحوم استاد که به این قبیل پژوهش‌ها که در جهت معرفی چهرهٔ غرب و به ویژه استعمار و امپریالیسم بوده، دل‌بستگی

* - این مقاله برگردانی است به پارسی از پژوهشی که ریزگن‌های آن چنین است:

L.A. Salem, "The DANTES Survey of Courses in Contemporary Middle East Studies", *Middle East Studies Association Bulletin*, Vol. 26, No. 2, 1992, PP. 167-177.

** - دانشجوی دورهٔ دکتری تاریخ، دانشگاه تهران

ارزیابی درس‌های خاورمیانه معاصر در دانشگاه‌های آمریکا*

نویسنده: L.A. Salem

ترجمه: مریم ممزی**

به یاد استاد دکتر عبدالهادی حائری که ضرورت‌نسانانیدن همهٔ سویهٔ امپریالیسم را آموخت.

روزگاری که دانشجوی فوق لیسانس تاریخ دانشگاه فردوسی بودم، در درس زبان خارجه که با مرحوم استاد دکتر عبدالهادی حائری داشتیم، ایشان مقاله‌ای را برای ترجمه به این جانب مرحمت کردند. آن کار دانشجویی که نخستین تجربه نگارنده در ترجمه بود به انجام رسید و بعدها با تشویق ایشان و حمایت مرحوم دکتر خواجه‌ویان، علی‌رغم انتباهاتی که بر اثر بی‌تجربگی مترجم داشت، در چند جا به چاپ رسید. جان مایهٔ آن مقاله بلند که از سوی جمعی از ایران‌شناسان برجسته تهیه شده بود، بررسی مطالب مربوط به خاورمیانه در کتاب‌های دبیرستانی آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) بود و بسیار محققانه و با نکته‌سنجی بسیار نشان داده شده بود که این کتاب‌ها عموماً به حفظ و نفیست همان تصورات کلیشه‌ای قدیمی ضویبان از خاورمیانه، در اذهان نوجوانان آمریکایی می‌پردازند و به جای دادن آگاهی‌های سودمند و اطلاعات به روز درآمده، مطالب نادرست و گاه متفرضانه‌ای را مطرح می‌کنند. مرحوم استاد که به این قبیل پژوهش‌ها که در جهت معرفی چهرهٔ غرب و به ویژه استعمار و امپریالیسم بوده، دل‌بستگی

* - این مقاله برگردانی است به پارسی از پژوهشی که ویژگی‌های آن چنین است:

L.A. Salem, "The DANTES Survey of Courses in Contemporary Middle East Studies", *Middle East Studies Association Bulletin*, Vol. 26, No. 2, 1992, PP. 167-177.

** - دانشجوی دورهٔ دکتری تاریخ، دانشگاه تهران

بسیاری نشان می‌داد، به گفته خودش از سال‌ها پیش این مقاله را در نزد خود نگامداشته بود و فرصتی برای ترجمه و چاپ آن می‌جست.

سال‌ها بعد وقتی در آخرین روزهای حیات مرحوم استاد در بیمارستان به دیدارش ششام، بر طبق عادت همیشگی که با کمی طنز در گفتار نیز همراه بود پرسید: «از خبرهای علمی و فرهنگی چه خبر؟» وی به راستی عاشق آگاه شدن از آخرین خبرهای علمی و بحث و گفتگو پیرامون آنها بوده به حدی که در این مواقع به وجد می‌آمد و سرخوشانه حتی درد چنانکه سرطان را نیز فراموش می‌کرد. برایش از چاپ یکی دو کتاب جدید گفتم و خواندن یک مقاله جالب (مقاله‌ای که ترجمه آن در زیر می‌آید) و از قصد خود مبنی بر ترجمه آن. مانند همیشه تشویق کرد. دفعه بعد که به دیدارش رفتم به علت تزیین داروهای متعددی خواب بود. وقتی مرا دید با تواضع همیشگی سعی کرد خود را بیدار نگهدارد و به صحبت پرداخت. مقاله را به دستش دادم، پس از خواندن عنوان مقاله و چند نظری او آن، جستی زد و در بستر نشست. چشم‌هایش درخشید و گفت: این مقاله در واقع ادامه همان مقاله قبلی است. حرفش را تأیید کردم. ضمن تشویق‌های همیشگی که برای شاگردانش بسیار مؤثر بود، افزود: خوشحالم به این راه کشیده شده‌ای. سفوروش دیلینگی به معرفی امپریالیسم بود. پادش گرامی یاد.

در پاییز سال ۱۹۹۰، وزارت دفاع [آمریکا] پرسشنامه هشت صفحه‌ای را برای بیش از هزار استاد مدرسه عالی و دانشگاه‌های [آمریکا] که درس‌های مطالعات خاورمیانه معاصر را تدریس می‌کردند، فرستاد. پانزده درصد، یعنی ۱۸۴ استاد، به آن پاسخ دادند که میزان مؤثری برای چنین پژوهشی بود. این پرسشنامه، در میان سایر سزالات، از جمله سؤال کرده بود که چند وقت یک بار این دروس ارائه می‌شوند، چگونه مواد درسی تنظیم می‌گردند، این درس‌ها شامل چه مطالب خاصی می‌شود، چه کتاب‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و یک نسخه از برنامه درسی استاد را خواسته بود. من از یکی از کسانی که خود متقاضی بود و از مدیر پروژه نتایج این ارزیابی را برای مقاصد آموزشی درخواست کرده بوده از این ارزیابی آگاه شدم.

اطلاعات به دست آمده از این ارزیابی طبقه‌بندی نشده و ویژگی‌های دروس مطالعات خاورمیانه [در دانشگاه‌های آمریکا] به هر کسی که درخواست کند، ارائه می‌شود. در پاسخ به این پرسشنامه‌ها اغلب استادان بیشتر مایل به تشریح نحوه‌گزینش و تنظیم مواد درسی خود بودند. در حالی که این ارزیابی بدون تعیین هویت ارزیابان یا مقاصدشان اجرا شده و پرسشنامه و پاکت حاوی آن هیچ یک نشانگر ارتباط با وزارت دفاع [آمریکا] نبوده است.

این بررسی از برنامه‌های به نام دانتس^۱ (دفاع و حمایت از آموزش غیرستی) سرچشمه گرفته است که بخشی از خدمات آموزشی آزمایشی از وزارت اوزارت دفاع آمریکا است و آزمون‌های استاندارد شده‌ای را برای افراد نظامی تهیه می‌کند و به مورد اجرا می‌گذارد. این آزمون‌ها طیف گسترده‌ای، از فیزیک گرفته تا امور مالی و اصول مشاوره، را در بر می‌گیرد. اکثر آزمون‌ها تست‌های چند گزینه‌ای هستند. آنها را به عنوان جانشین کار درسی دانشگاهی برای سربازان در حال خدمات، ذخیره‌ها و از کار افتادگان خدمات ارتشی طرح کرده‌اند. سربازی که دانشجوی دانشگاه است (یا امیدوار است که بشود)، می‌تواند به خاطر دستیابی به آگاهی‌های مقدماتی که در آزمون استاندارد شده دانتس کسب کرده است، امتیازی به دست آورد. اگر حداقل نمره لازم از آزمون به دست آید، دانتس ترتیب گرفتن امتیازی از دانشگاه آن سرباز - دانشجوی را می‌دهد و برای اینکه این کار مورد قبول دانشگاه‌ها باشد، آزمون دانتس می‌بایست آنچه را که حقیقتاً در ذهن استادان دانشگاه‌هاست منعکس کند.

پس از اینکه ایالات متحده شمار گسترده‌ای از کارکنان نظامی خود را که در میان آنها درصد زیادی از دانشجویان دانشگاه‌ها نیز بودند، در اگوست ۱۹۹۰ [شهریور ۱۳۶۹ خورشیدی] به خلیج فارس اعزام کرد، دانتس نیاز به آزمون استاندارد شده‌ای را درباره خاورمیانه احساس کرد. متخصصان دانتس این بررسی را تهیه کردند و یک شرکت بازرگانی فروش بی‌واسطه، فهرستی از آدرس پستی استادان مورد نظر را تهیه کرد. در پایان ژانویه ۱۹۹۱ [بهمن ۱۳۶۹ خورشیدی] در میانه عملیات هوایی، نتایج این بررسی تکمیل شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج بدست آمده (رک - پیوست)، طرحی از یک درس مطالعات خاورمیانه معاصر را به دست می‌دهد که به مدت یک ترم طولانی و به طور کاملاً خلاصه شده‌ای در سطح دانشجویان سال‌های بالای لیسانس ارائه می‌شود. این دروس معمولاً از درس‌های تاریخی یا سیاسی به شمار رفته و بیشتر متمایل به تمرکز بر روی مطالب «دیپلماتیک» و «سیاسی» است تا اقتصادی، یا اجتماعی - فرهنگی. تنظیم مطالب درسی نیز معمولاً بیشتر بر اساس موضوع و یا ترتیب تاریخی است تا بر مبنای کشورهای، اما با این وجود توجه بیشتری به اسرائیل، مصر، کرانه خاوری مدیترانه و برخی کشورهای خلیج فارس را نشان می‌دهد. برخی ایدئولوژی‌ها (ناسیونالیسم، بنیادگرای اسلامی) و چند رخداد خاص (نابس اسرائیل، انقلاب ایران) جای زیادی را در این دروس اشغال کرده‌اند.

این نتایج را می‌بایست به حساب میزان فراگیری ارزیابی و بافت پرسشنامه گذاشت که هر دو برای ارزیابی عمومی دروس مطالعات خاورمیانه معاصر به بهترین شکل هماهنگ شده بودند. هر چند که به سبب پاره‌ای مشکلات ناشی از پست و شاید به علت اینکه برخی دانشگاه‌ها فاقد چنین دروسی بودند، این پرسشنامه تا حدی به گروه گسترده‌تری رسید. در میان عناوین دروسی که در برنامه‌های ارسالی فهرست‌وار ذکر شده بود، این درس‌ها دیده می‌شد: «روابط بین‌المللی در خاورمیانه»، «تحول اقتصادی در خاورمیانه»، «سیاست‌ها و جامعه در اسرائیل»، «اسلام در خاورمیانه نوین» و «جمعیت و پیشرفت در خاورمیانه».

این که چگونه دایرهٔ شمردن این دروس که بر روی مطالب خاص بیشتر تأکید کرده است می‌تواند بر نتایج این بررسی اثر گذارد، مبهم است. در قسمتی که پرسش‌هایی در بارهٔ عناوین دروس مطرح شده، جایی را برای پاسخ آزاد در نظر نگرفته‌اند و پاسخ دهندگان فقط می‌توانسته‌اند از میان عناوین فهرست شده، آنهایی را که در درس‌هایشان، وجود دارد علامت بزنند و همین‌کنند که تا چه حد درس آنان شامل این عناوین می‌شود. پاسخ دهندگان بیشتر گزینهٔ زیاد یا متوسط را برای نشان دادن میزان پرداختن به مطالب درسی در کلاس‌هایشان انتخاب کرده‌اند تا گزینهٔ کم یا هیچ را. این موضوع می‌تواند بیانگر این باشد که درس‌های اساتید با مواد مطالعاتی طیف بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، یا اینکه نشانگر یک بی‌تفاوتی باشد که به صورت طفره روی یا حذف عناوین مهم جلوه کرده است. در این بررسی برخی از عناوین دروس از قلم افتاده‌اند، بقیه نادرست یا به طور ناقص یاد شده‌اند. از میان ۶۴ عنوان فهرست شده، تنها یک مورد مربوط به زنان یک مورد دیگر مربوط به موضوع خانواده است. هیچ اشاره‌ای به موضوع زبان دیده نمی‌شود. از هنرها که آشکارا موضوع گسترده‌ای است، تنها یک بار (مورد ۵۲) یاد شده و به طور تصادفی دید محدودی داده شده است. به همین شیوه در تنها مواردی که موضوع فلسطینیان مطرح شده (۷۱ و ۷۳)، نیز جهت‌گیری کوفه‌نظرانه‌ای صورت گرفته است. از اوپک (OPEC) هرگز به نام یاد نشده (هر چند این موضوع را در ضمن چند مطلب دیگر گنجانیده‌اند) و هیچ مورد به خصوص در بارهٔ لیبی، سوریه، اردن، سودان یا بسیاری از کشورهای خلیج [فارس] مطرح نگردیده است.

پرسشنامه و نتایج آن

پرسشنامه داتنس به چهار بخش تقسیم شده است:

- ۱- پاره‌ای سؤالات عمومی در بارهٔ موقعیت درس خاورمیانه در دانشگاه‌های خاص مطرح شده است.
- ۲- پرسش‌هایی در بارهٔ میزان پوشش ۶۴ عنوان ویژه طرح گردیده است.
- ۳- سؤال شده که این درس شامل چه کشورهایی می‌شود و به طور تقریب چه مدت زمانی صرف هر کشور می‌گردد.
- ۴- خواسته شده تا کتاب‌های درسی، مطالب خواندنی و یا سایر موادی که در این درس مورد استفاده قرار می‌گیرند نام ببرند.

در نگاهی به پرسشنامه‌های تکمیل شده چنین به نظر می‌رسد که کامل کردن برخی از بخش‌ها آسان‌تر از قسمت‌های دیگر بوده است. اغلب پاسخ دهندگان بخش‌های دو و چهار را با اشکال کمتری تکمیل کرده‌اند، خانه‌های مربوطه را بررسی کرده و آن گونه که خواسته شده پرسشنامه را پر کرده‌اند، در حالی که بخش‌های یک و سه حیرت‌ناپذیر ملاحظه‌ای را برانگیخته است. برخی از سؤالات این بخش‌ها ناشیانه و مبهم به عبارت در آمده است و بقیه نیز کاملاً نامناسب است. بسیاری از پاسخ دهندگان ناگزیر از نوشتن عبارات بدخطی در حاشیه‌ها شده‌اند. زیرا در حقیقت نیاز داشته‌اند تا شخصاً این بررسی را به خاطر نشان دادن دقیق درس‌هایشان تغییر دهند.

چند تن از استادان پرسشنامه را تکمیل نشده پس فرستاده‌اند. به گونه‌ای که پاره‌ای پرسش‌ها یا تمام بخش‌هایی را که با درستان نامناسب بوده، نادیده گرفته‌اند. بقیه استادان برای بیش از یک درس این پرسشنامه را پر کرده‌اند و گه گاه بیش از یک جواب به یک سؤال داده‌اند. تمام درصدها نسبت به کل پرسشنامه‌های برگشت داده شده، یعنی ۱۸۴، منجمد شده است، نه اینکه برای هر سؤال تعداد پاسخ دهندگان به همان سؤال مینا قرار گیرد. بنابراین در بسیاری موارد، درصدها اندکی کمتر یا بیشتر از ۱۰۰ درصد بوده است.

سؤال‌های عمومی (جدول شماره ۱)

بخش نخست برای به دست آوردن آگاهی‌هایی پیرامون زمینهٔ عمومی درس‌های مطالعات

خاورمیانه مطرح شده و پاسخ دهندگان طرح نمونه واری را ترسیم کرده‌اند. بدین قرار که طول زمانی اغلب این دروس یک نیمسال است و از طرف گروه تاریخ با علوم سیاسی یا هر دو ارائه می‌شود. دانشجویان این دروس نیز از نظر سطح علمی یکسان نیستند. رایج‌ترین شیوه تنظیم مطالب درسی از سوی استاد بر مبنای تاریخی و یا بر اساس موضوع است و دست کم چهار کشور را در بر می‌گیرد.

نکات چندی می‌بایست در باره اطلاعات خلاصه شده در جدول شماره یک خاطر نشان گردد. ۹ درصد پاسخ دهندگان به سؤال ۳ یادآور شده‌اند که درس آنها بیشتر در باره سیاست است تا تاریخ یا علوم سیاسی؛ در میان پاسخ دهندگان کسانی نیز به اقتصاد، انسان شناسی، جامعه شناسی، مذهب، مطالعات میدانی، جغرافیا، هنر و بازرگانی بین المللی در درس هایشان اشاره کرده‌اند. ۲۶ درصد کامل از پاسخ دهندگان توضیحات سؤال ۴ را در باره اینکه چگونه محتوای درسی را تنظیم می‌کنید، خط زده‌اند. اغلب آنها همه یا برخی از گزینه‌های مطرح شده در پرسشنامه را مردود دانسته‌اند. بسیاری خاطر نشان کرده‌اند که از بیش از یک شیوه تنظیم مواد درسی در طول یک درس استفاده می‌کنند (برای نمونه، در نیمه نخست به ترتیب تاریخی و در نیمه دوم بر اساس موضوعی).

پوشش موضوعی (جدول شماره ۲)

در این قسمت از پاسخ دهندگان خواسته شده است تا با انتخاب یکی از گزینه‌های زیاد، متوسط، کم یا هیچ، میزان پوشش ۶۴ عنوان خاص را در درس هایشان معین کنند. با یک نگاه کلی به پاسخ‌ها آشکار می‌شود که استادان دانشگاه‌ها بسیار بیشتر مایل به انتخاب گزینه‌های زیاد یا متوسط بوده‌اند تا کم یا هیچ. نزدیک به یک سوم پاسخ دهندگان (۳۲ درصد) هرگز از گزینه هیچ استفاده نکرده‌اند. از میان این گروه، پنج نفر فقط از گزینه‌های زیاد یا متوسط برای تمام پاسخ‌ها استفاده کرده‌اند.

بخش دوم، به موضوع‌های «دیپلماتیک»، «سیاسی»، «اقتصادی» و «اجتماعی - فرهنگی» تقسیم شده است. بر خلاف دو موضوع اخیر که مفهومشان روشن و واضح است، دو موضوع نخست تا حدی مبهم و گنگ است. به نظر می‌رسد مطالب «دیپلماتیک» به موضوع‌ها و وقایعی اشاره می‌کند که در اطراف نفوذ خارجی (معمولاً غربی) در خاورمیانه وجود دارد و مطالب

«سیاسی» ظاهرأ به سیاست‌های داخلی و روابط داخلی - منطقه‌ای کشورهای گوناگون خاورمیانه اشاره می‌کند. طراحان این پرسشنامه یادآوری کرده‌اند که برخی از سؤال‌ها دارای جنبه‌های مشترک هستند، از این روی میزان پوشش یک عنوان می‌تواند در بیش از یک جا خاطر نشان گردد. مطالب دیپلوماتیک (جدول شماره ۲) که مستقیماً به اسرائیل اشاره می‌کند، درصد بسیار زیادی را نشان می‌دهد. به طوری که ۹۱ با ۹۲ درصد پاسخ دهندگان در باره میزان پوشش موضوعی تأسیس اسرائیل (سؤال شماره ۱۰) و برخورد عربی - اسرائیلی (سؤال شماره ۱۳) در درس‌هایشان از گزینه‌های زیاد یا متوسط استفاده کرده‌اند. همین طور ۸۲ درصد پاسخ دهندگان میزان شمول موضوع کمپ دیوید و مسأله فلسطین (سؤال شماره ۱۷)، دو مطلب بسیار نزدیک به هم را، در درس‌هایشان زیاد یا متوسط ذکر کرده‌اند.

از سوی دیگر موارد مربوط به شمال آفریقا از کمترین پوشش برخوردار شده است. به گونه‌ای که فقط ۵ درصد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را برای میزان در بردارندگی موضوع جنگ الجزایر (سؤال شماره ۹) در درس‌هایشان انتخاب کرده‌اند و ۷۷ درصد کامل پاسخ دهندگان، گزینه کم یا هیچ را برگزیده‌اند (پرشماری‌ترین پاسخ به گزینه‌های کم یا هیچ). به همین شیوه ۶۶ درصد پاسخ دهندگان میزان توجه به اشغال اروپایی مغرب و سلطه بر آن را (سؤال شماره ۳) در درس‌هایشان، کم یا هیچ زده‌اند. جالب است که سؤال شماره ۸ که شامل موضوع شرق و غرب می‌شود، هیچ توافق فعلی‌ای را منعکس نکرده است و هر چهار جواب از طرف تعداد مؤثری از پاسخ دهندگان گزارش شده است.

چند تن از استادان برای سؤال‌های خاص حاشیه‌نویسی کرده‌اند. از جمله دو نفر به سؤال شماره ۲ که مربوط به «فروپاشی قدرت‌های سنتی (امپراتوری عثمانی، ایران و مصر)» است اعتراض کرده‌اند. یک نفر در حاشیه نوشته است: «صحیح ندارد». در حالی که دیگری به اینکه این سؤال شامل مصر نیز شده، اعتراض کرده است. پاسخ دهنده دیگر اصطلاح «مغرب» را در سؤال‌های شماره ۳ و ۸ مورد اعتراض قرار داده و نوشته است که «من باید اقرار کنم که با این اصطلاح آشنا نیستم». سه نفر از استادان نسبت به سؤال ۱۷ دربارهٔ «کمپ دیوید و مسأله فلسطین» اعتراض کرده‌اند. هر سه نیمه نخست عبارت را حذف کرده‌اند و یکی از آنان با بدخلقی نوشته است: «کمپ دیوید، همان گونه که سزاوار آن است، توجه اندکی را به خود جلب می‌کند». در میان «مطالب سیاسی» (جدول شماره ۳)، به ترتیب ۹۴ و ۹۳ درصد پاسخ دهندگان برای

موضوع‌های تجدید حیات بنیادگرایان (سؤال شماره ۳۸) و دسته‌بندی‌های مذهبی و نژادی (سؤال شماره ۲۹)، از گزینه‌های زیاد یا متوسط استفاده کرده‌اند. ۸۹ درصد پاسخ دهندگان دربارهٔ انقلاب ایران (سؤال شماره ۳۹) گزینهٔ زیاد یا متوسط را ذکر کرده‌اند. ۹۸ درصد (بالاترین درصد این بررسی) برای ناسیونالیسم در خاورمیانه (سؤال ۲۰) از گزینهٔ عالی یا متوسط استفاده کرده‌اند. انقلابات خاورمیانه (سؤال شماره ۳۰) نیز بیشترین درصد (۹۱ درصد) که درصد بالایی برای استفاده از گزینهٔ عالی یا متوسط است) را به خود اختصاص داده است.

سؤال ۲۱ که مربوط به سیستم استعماری در شمال آفریقا می‌شود، تقریباً انشاقی در میان پاسخ‌ها به وجود آورده است. به طوری که ۵۰ درصد پاسخ دهندگان میزان پوشش این عنوان را زیاد یا متوسط ذکر کرده‌اند و ۴۹ درصد کم یا هیچ. تحول ترکیبی جدید (سؤال شماره ۲۳) نیز شمار قابل توجهی از نظریات متضاد را تصویر کرده است. سه استاد به سؤال شماره ۲۸ مربوط به کشورهای تازه استقلال یافتهٔ خاورمیانه اعتراض کرده‌اند. یکی از پاسخ دهندگان در حاشیه نوشته است: «اصلاً وجود ندارد».

برای مطالب اقتصادی (جدول شماره ۴) معمولاً از گزینهٔ کم، بیشتر استفاده شده است. برای شش سؤال از یازده سؤال این بخش، بیش از نیمی از پاسخ دهندگان از گزینهٔ کم یا هیچ استفاده کرده‌اند. تنها ۳۸ درصد پاسخ دهندگان، میزان فراگیری موضوع ثروت ملی خاورمیانه (سؤال شماره ۴۴) در درس‌هایشان را زیاد یا متوسط برآورد کرده‌اند که در خور مقایسه با رقم ۹۸ درصدی است که برای موضوع ناسیونالیسم (سؤال شماره ۲۰) از گزینه‌های زیاد و متوسط یاد کرده بودند. به ترتیب ۵۲ و ۵۸ درصد پاسخ دهندگان برای موضوع‌های ترقی اقتصادی (سؤال شماره ۴۱) و جدال‌های اقتصادی منطقه‌ای (سؤال شماره ۵۱) درجهٔ کم یا هیچ را گزارش کرده‌اند. ۷۰ درصد پاسخ دهندگان میزان توجه به تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی (سؤال شماره ۴۶) و ۵۹ درصد میزان توجه به بدهی‌های خارجی (سؤال شماره ۴۹) را در درس‌هایشان کم یا هیچ برآورد کرده‌اند. ۶۶ درصد پاسخ دهندگان برای سوسپالیسم عرب (سؤال شماره ۴۷) از درجهٔ کم یا هیچ استفاده کرده‌اند و تنها ۴ درصد آنان گزینه‌های زیاد یا متوسط را ذکر کرده‌اند که ضعیف‌ترین میزان استفاده از گزینه‌های زیاد و متوسط در این بررسی است. یکی از پاسخ دهندگان نسبت به این سؤال اعتراض کرده و در حاشیه با خط بدی نوشته است: «چی ۱۲؟».

به سؤال‌های این بخش که به ویژه به نکت اشاره می‌کند، به طور عجیبی پاسخ‌های ضعیفی

داده شده است. ۶۸ درصد پاسخ دهندگان برای کشف و گسترش منابع نفتی (سؤال شماره ۴۲) درجات زیاد یا متوسط را ذکر کرده‌اند و تنها ۵۹ درصد به اداره و ملی کردن نفت (سؤال شماره ۴۵) پاسخ زیاد یا متوسط داده‌اند. اما یکباره شمار پاسخ دهندگان متوسط یا زیاد، در جایی که از نفت با اصطلاح یک «اسلحه» یادشده، به ۷۸ درصد ترقی یافته است (سؤال شماره ۴۸).

در بخش «مطالب اجتماعی و فرهنگی» (جدول شماره ۵) دوباره شاهد توجه شدیدی به اسلام هستیم. به طوری که به ترتیب ۹۰ و ۸۹ درصد پاسخ دهندگان برای موضوع‌های «عکس‌العمل اسلام نسبت به غرب» (سؤال شماره ۵۳) و «بنیادگرایی جدید» (سؤال شماره ۶۳) از گزینه‌های زیاد یا متوسط استفاده کرده‌اند. در حالی که این موضوع با رقم ۵۶ درصد کسانی که گزینه‌های کم یا هیچ را برای امکانات آموزشی [در خاورمیانه] (سؤال شماره ۶۰) برگزیده‌اند، در تضاد است. ۶۶ درصد نیز به زندگی در حومه شهرها کم توجه یا اصلاً توجه نکرده‌اند.

تعداد کمی از استادان درباره پرسش‌های این بخش، نظریات تشریحی نوشته‌اند. یکی از آنان ذکر کرده است که به زن، خانواده و کشاورزی تنها در تحقیقات دانشجویی (اعم از اختیاری و اجباری) توجه می‌شود. در نفر دیگر نوشته‌اند که مطالب مربوط به زنان در درس جداگانه‌ای مطرح می‌شود.

پوشش کشورها (جدول شماره ۶)

در این قسمت از پاسخ دهندگان خواسته شده است که از هر یک فهرست هفده‌تایی مشخص کنند کدام کشورها در درس‌هایشان مطرح می‌شود. پاسخ دهندگان تقریباً درجه بالایی از توجه به کرانه خاوری مدیترانه و خلیج فارس، و نسبتاً توجه اندکی به شمال آفریقا به استثنای مصر را نمایان ساخته‌اند. دست کم ۸۷ درصد پاسخ دهندگان توجه به مصر، اسرائیل، ایران و عراق را گزارش کرده‌اند که با پاسخ‌های داده شده به سؤال‌های ۱۰، ۱۵، ۱۸ و ۳۹ درباره آشوب‌های قلمرو این کشورها در بخش پیشین هماهنگ است. جز مصر، هیچ‌یک از کشورهای شمال آفریقا توجه بیش از نیمی از پاسخ دهندگان را به خود جلب نکرده است که این موضوع نیز با پاسخ‌های داده شده به سؤال‌های ۳، ۹، ۲۱ درباره کشمکش‌های استعمار و استقلال در بخش دوم، سازگار است.

جای اضافی برای نوشتن اسامی سایر کشورهایی که در فهرست اصلی نیامده، فراهم شده

است و ۳۰ درصد پاسخ دهندگان نام کشورهای دیگری را نوشته‌اند. ۱۲ درصد آنان فلسطین، کرانه غربی (زود اردن)، [توار] غزه، مناطق اشغالی توسط اسرائیل، سازمان آزادیبخش فلسطین) بقیه، اسرائیل را ذکر کرده‌اند اما احتمالاً منظورشان هر دو کشور بوده است. در جاهای خالی اضافه نام کشورهای پاکستان، امپراتوری عثمانی، قبرس، یونان، ایتالیایی، موریتانی، جیبوتی، سومالی، اندونزی، مالزی و هند را افزوده‌اند. از ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در ارتباط با سیاست خارجی / مداخله در امور داخلی یاد شده است. از هر دو ابر قدرت همچنین در ارتباط با مطالب داخلی خود این کشورها ذکر شده است (منظور جمهوری‌های مسلمان شوروی و صهیونیسم در ایالات متحده است). در اینجا نیز یک بار دیگر پاسخ دهندگان خیلی بیشتر مایل بوده‌اند نشان دهند که در شان شامل آن عنوان درسی می‌شود تا اینکه بنویسند نمی‌شود. ۱۶ درصد پاسخ دهندگان از ۱۸ پاسخ در نظر گرفته شده در این فهرست (با احتساب «و غیره») دست کم ۱۶ نای آن را علامت زده‌اند.

در نیمه دوم بخش ۳، سؤال کرده است که چه درصدی از زمان آموزشی صرف هر کشور می‌شود، اما این تکلیف در عمل مشکل به بار آورده است. زیرا ۴۰ درصد پاسخ دهندگان هیچ کوششی برای تکمیل این بخش از بررسی پادشده نکرده و آنهایی که آن را تکمیل کرده‌اند نیز درباره این عمل اظهار تردید کرده‌اند. همان گونه که در بخش نخست (سؤال ۴) یاد گردید، اغلب استادان مواد درسی را بر مبنای کشورها تنظیم نمی‌کنند. چند تن از پاسخ دهندگان پادآوری کرده‌اند که تعیین درصدی از وقت صرف شده بر روی هر کشور در کلاس، برای کسی که مطالب را بر اساس موضوع و روابط تنظیم می‌کند، تقریباً غیر ممکن است. نتایج به دست آمده از سؤال درصد تعیین وقت صرف شده میهم است و به همین جهت در اینجا آورده نشد.

بخش ۳، دارای بیشترین پاسخ‌های تشریحی در این بررسی از سوی پاسخ دهندگان است. بیشتر اظهارات افزوده شده، به شیوه کامل‌تری توضیح می‌دهند که چرا این جواب‌ها را برگزیده‌اند. تعداد کمی از این اظهارات در اعتراض نسبت به طرح این ارزیابی است. مانند: «این روش نامناسبی برای دستیابی به محتوای درسی است.» سه تن از استادان یادداشت‌هایی نوشته‌اند مبنی بر اینکه وقایع جاری (بحران‌های امسال) بر تعیین اینکه چه کشورهایی در کلاس مطرح شده‌اند و چه درصد زمانی صرف هر یک از آنها گردد، اثر می‌گذارد. یکی نوشته است: «بهار ۱۹۹۱ با کویت بیش از بهار سال ۱۹۹۰ سروکار خواهم داشت. بهار ۱۹۹۰ زمان

بیشتری را بر روی ایران و مقدار کمتری را بر روی عراق صرف کردم. در بهار ۱۹۹۱ این وضع معکوس خواهد شد.

کتاب‌های درسی (جدول شماره ۷)

در بخش چهارم این ارزیابی از پاسخ دهندگان خواسته شده بود تا فهرست کتاب‌های درسی و سایر موادی را که در کلاسشان از آن استفاده می‌کنند، بنویسند. فهرست فراهم آمده با یکصد و شصت عنوان، عمدتاً از کتاب‌های دانشگاهی تشکیل شده است. اما در عین حال شامل چند داستان، سرگذشتنامه / خاطرات^۳ و اسناد دست‌یکم^۴ نیز می‌شود.

در ارزیابی این فهرست کتابشناسی می‌تواند نشانگر عدم توافق استادان این سرکتاب‌های خاصی برای درس مطالعات خاورمیانه باشد، یا اینکه بیانگر گستردگی میزان چنین موادی باشد. در عین حال توافق قابل ملاحظه‌ای بر سر نوع کتاب‌های درسی مورد استفاده و برخی از موضوعات وجود دارد. بررسی‌های اجمالی تاریخی و سیاسی رایج‌ترین منابع در این فهرست است و پنج کتابی که بیش از همه ذکر شده، مربوط به بررسی‌های اجمالی تاریخی / سیاسی خاورمیانه است. از این گذشته، در ارتباط با عنوان و کشورهایی که در این ارزیابی مورد پرس و جو قرار گرفته‌اند، بیشتر کتاب‌ها مربوط به اسلام و اسرائیل (شامل برخورد عربی / فلسطینی - اسرائیلی) است. چنانکه در میان کتاب‌هایی که بیش از همه ذکر شده، دو کتاب درباره اسرائیل و یک کتاب مربوط به اسلام وجود دارد.

پاره‌های اظهار نظرها

نجمی که این ارزیابی از درس مطالعات خاورمیانه [در دانشگاه‌های آمریکا] به دست می‌دهد می‌بایست با هدف‌ها، بافت و قدرت رسایی پرسشنامه آن سنجیده شود. این ارزیابی می‌بایست زمینه تهیه آزمون استاندارد شده‌ای را فراهم می‌کند که نشانگر بدنه اطلاعات و اظهار نظرهای استاندارد شده باشد. شیوه‌های و کتاب درسی^۵ چنین انگویی را فراهم می‌کند. قصد این پرسشنامه تأکید بر مسائل فوری و اضطراری بوده است. به همین جهت بسیاری از پاسخ دهندگان صریحاً ساختار پرسشنامه را تذبذب یافته و عدم رضایت خود را نسبت به این شیوه اظهار داشته‌اند. برگزیدن یک الگو (بر خلاف آنچه که می‌گویند از کارشناسان مجرب به عنوان مشاور استفاده کنید)،

می‌بایست از پاره‌ای آزمایشات ناشی شود که دربارهٔ موضوعی و با کمک وسایلی، از پژوهش افکار عمومی به دست آمده باشد. مانند اینکه برای گرفتن نتیجه، میزان پاسخ‌های داده شده به گزینه‌ها استخراج شود. استادان در این بررسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و ممکن است از آنها خواسته شود که نتیجهٔ این بررسی (آزمون) را به جای درس خودشان بپذیرند.

در این ارزیابی، جز کانون تمرکز، نمونه و ساختار این بررسی، بسیاری از پرسش‌های دشوار همانند خاستگاه این ارزیابی، ناشناخته باقی مانده است. از جمله این پرسش مطرح است که آیا اصلاً یک آزمون استاندارد شده، مطلوبی می‌تواند وجود داشته باشد که مورد قبول همگان (دانشگاه‌ها و مدارس عالی غیرنظامی) باشد؟ آیا یک آزمون استاندارد شده، هر چند محققانه، می‌تواند جانشین مناسبی برای یک درس دانشگاهی باشد که در یک ترم طولانی تدریس می‌شود که ناز، آن درس نیز به موضوعش بیشتر بستگی دارد تا به هماهنگی در شیوهٔ تدریس آن و سرانجام این سؤال که چگونه تجربه خدمت فعالانهٔ نظامی می‌تواند بر مطالعهٔ تاریخ و سیاست خاورمیانه (نمی‌گوییم فرهنگ خاورمیانه) یک دانشجوی اثر بگذارد؟

جدول شماره ۱

ارزیابی پاسخ‌ها

	۱- این درس در چند نیمسال، لث یا ربع سال تدریس می‌شود؟
یک نیمسال	٪۷۸
دو نیمسال	٪۴
یک ربع سال	٪۱۳
دو ربع سال	٪۲
	۲- این درس برای چه سطحی ارائه می‌شود؟
دانشجویان سال‌های پایین کارشناسی	٪۲۵
دانشجویان سال‌های بالای کارشناسی	٪۸۵
فقط برای دانشجویان بالاتر از لیسانس	٪۱۰
	۳- آیا این درس یکی از دروس علوم سیاسی شناخته می‌شود، یا درسی تاریخی است، یا آمیزه‌ای از هر دو، یا از نوع دیگری است؟
علوم سیاسی	٪۳۴
تاریخ	٪۳۰
آمیزه‌ای از هر دو	٪۲۸
غیره	٪۹
	۴- چگونگی تنظیم این درس برای مقاصد آموزش:
به ترتیب تاریخی	٪۵۰
بر اساس موضوع	٪۵۷
بر مبنای کشورها	٪۲۷
غیره	٪۷
	۵- در این درس چند کشور به طور عمیق مورد بررسی قرار می‌گیرد؟
یک تا سه	٪۱۳
چهار تا پنج	٪۴۴
شش و بیشتر	٪۳۴

جدول شماره ۲

مطالب دیپلماتیک

میزان توجه

مجموع	کم	متوسط	زیاد	
٪۵	٪۲۲	٪۳۳	٪۲۲	۱- تعیین مرزهای جغرافیایی خاورمیانه
٪۶	٪۲۰	٪۳۶	٪۳۹	۲- فروپاشی قدرت‌های سنتی خاورمیانه (امپراتوری عثمانی، ایران، مصر)
٪۲۲	٪۲۴	٪۲۲	٪۱۱	۳- اشغال اروپایی و سلطه مغرب
٪۲	٪۱۴	٪۲۹	٪۵۴	۴- نخستین جنگ جهانی و میراث آن
٪۹	٪۳۵	٪۴۶	٪۱۱	۵- پان اسلام‌گم و بهشت خلافت
٪۳	٪۲۳	٪۲۷	٪۲۳	۶- پیمان‌های مجمع ائتلاف ملل
٪۲	٪۱۸	٪۲۲	٪۳۶	۷- دومین جنگ جهانی و میراث آن
٪۲۰	٪۳۵	٪۳۱	٪۲۳	۸- جریان استعمارزدایی در مشرق و مغرب
٪۳۶	٪۴۱	٪۱۵	٪۹	۹- جنگ الجزایر
٪۲	٪۷	٪۲۵	٪۶۷	۱۰- تأسیس اسرائیل
٪۵	٪۲۲	٪۳۶	٪۳۶	۱۱- جنگ سرد در خاورمیانه
٪۳	٪۱۷	٪۲۲	٪۳۵	۱۲- تعیین نقش اروپا در خاورمیانه و سلطه بر قدرت‌ها
٪۲	٪۶	٪۱۸	٪۷۳	۱۳- دوگیری اعراب و اسرائیل
٪۸	٪۳۹	٪۴۵	٪۹	۱۴- اتحادیه عرب و سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
٪۳	٪۸	٪۴۴	٪۴۵	۱۵- مداخلات غرب در خاورمیانه (برای مثال: عراق، سوئز، بیروت)
٪۲	٪۱۲	٪۲۱	٪۴۱	۱۶- جنگ داخلی لبنان
٪۲	٪۱۴	٪۳۰	٪۵۲	۱۷- کمپ، دیوید و مسئله فلسطین
٪۷	٪۸	٪۳۴	٪۵۳	۱۸- بحران‌های خلیج فارس (جنگ ایران و عراق، حمله به کویت)

جدول شماره ۳

مطالب سیاسی

رتبه	متوسط	کم	زیاد	موضوع
۱۹	٪۵۰	٪۲۳	٪۸	نخستین کوشش‌ها در اصلاحات درونی و حکومت مشروطه
۲۰	٪۳۰	٪۲	٪۸	ناسیونالیسم در خاورمیانه
۲۱	٪۳۶	٪۲۸	٪۲۱	سیستم استعماری در شرق و مغرب
۲۲	٪۵۱	٪۱۳	٪۱	درگیری برای استقلال
۲۳	٪۲۲	٪۲۳	٪۱۵	تحول ترکیه جدید
۲۴	٪۵۵	٪۲۴	٪۵	تجربه دمکراسی و تولد احزاب سیاسی (کمونیست‌ها، بعث، رفد و غیره)
۲۵	٪۵۰	٪۱۳	٪۹	سلسله پهلوی و اصلاحات در ایران
۲۶	٪۵۴	٪۲۶	٪۷	تأسیس و تحول دولت سعودی
۲۷	٪۲۷	٪۲۶	٪۵	سیاست‌های داخلی اسرائیل
۲۸	٪۵۰	٪۲۱	٪۶	دولت‌های ناز، استقلال یافته خاورمیانه
۲۹	٪۴۰	٪۷	٪۱	دسته بندی‌های مذهبی و نژادی
۳۰	٪۲۶	٪۹	٪۳	انقلابات خاورمیانه
۳۱	٪۲۸	٪۲۴	٪۳	[وختات] ارتش دو سیاست
۳۲	٪۲۵	٪۲۹	٪۸	پیدایش دولت‌های تک حزبی
۳۳	٪۳۹	٪۳۳	٪۷	جنگ سرد عرب، جمهوری در برابر سلطنتی
۳۴	٪۲۷	٪۲۱	٪۲	طفره روی از اتحاد اعراب
۳۵	٪۳۵	٪۱۲	٪۲	ایدئولوژی‌ها در جهان عرب (سوسیالیسم عرب، ناصریسم، بان عربیسم، عدم تمهد، ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم دولتی)
۳۶	٪۴۱	٪۳۸	٪۵	انشعاب‌های سیاسی و اعتراض اجتماعی
۳۷	٪۳۸	٪۲۳	٪۳	پراکندگی فلسطینیان در خاورمیانه
۳۸	٪۳۵	٪۷	٪۱	تجدید حیات بنیادگرایی در جهان اسلام
۳۹	٪۲۷	٪۸	٪۹	انقلاب ایران
۴۰	٪۲۶	٪۱۸	٪۴	جنگ ایران و عراق

جدول شماره ۲

مطالب اقتصادی

موضوع	کم	موسعاً	زیاد	
۲۱- توسعه اقتصادی: کشاورزی، مهندسی آب، زیرسازی، تجارت	٪۲۴	٪۳۶	٪۱۳	٪۸
۲۲- توسعه منابع نفتی خاورمیانه	٪۲۹	٪۲۲	٪۲۶	٪۲
۲۳- صنعتگرایی ابتدایی و مدرن گرایی در خاورمیانه	٪۳۸	٪۳۹	٪۱۷	٪۸
۲۴- بازگشت سرمایه در خاورمیانه: ملی سازی سرمایه‌های بیگانگان	٪۳۷	٪۳۳	٪۵	٪۱۷
۲۵- کشمکش بر سر اداره نفت: تأثیر ملی سازی	٪۳۵	٪۴۴	٪۱۵	٪۷
۲۶- تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی	٪۲۸	٪۲۵	٪۵	٪۲۲
۲۷- اثر اقتصادی سوسیالیسم عربی	٪۲۹	٪۳۲	٪۲	٪۱۷
۲۸- اسلحه نفتی و اثرات آن (۱۹۷۳-۱۹۷۸)	٪۱۹	٪۴۸	٪۳۰	٪۵
۲۹- بدهی و وابستگی به سرمایه خارجی	٪۲۰	٪۳۱	٪۱۰	٪۱۹
۵۰- اصلاحات ارضی و سایر ابتکارات اقتصادی	٪۳۷	٪۴۱	٪۱۱	٪۱۳
۵۱- جدال‌های اقتصادی منطقه‌ای	٪۴۰	٪۳۵	٪۷	٪۱۸

جدول شماره ۵
مطالب اجتماعی و فرهنگی

رتبه	کم	متوسط	زیاد	
۱۱٪	۳۲٪	۲۲٪	۱۴٪	۵۲- تاسیونالیسم و تجدید حیات ادبیات عرب
۳٪	۸٪	۳۹٪	۵۱٪	۵۳- پاسخ اسلام به غرب: اصلاح و تجدید حیات
۲۲٪	۲۰٪	۴۱٪	۳۸٪	۵۴- اقلیت‌های نژادی و مذهبی
۱۰٪	۳۲٪	۴۸٪	۷٪	۵۵- طبقه متوسط جدید
۱۰٪	۲۹٪	۲۷٪	۱۴٪	۵۶- توسعه ارزش سرفه‌ای و دیوانسالاری
۵٪	۲۷٪	۲۴٪	۲۴٪	۵۷- نقش‌های منفیر زنان
۸٪	۲۱٪	۳۳٪	۱۲٪	۵۸- دگرگونی‌ها در ساخت خانواده
۶٪	۲۹٪	۲۵٪	۲۰٪	۵۹- دگرگونی‌های سرشماری: شهرگرایی و انجمن جمعیت
۱۲٪	۲۳٪	۲۰٪	۵٪	۶۰- گسترش فرصت‌های آموزشی
۱۳٪	۳۳٪	۲۱٪	۱۳٪	۶۱- طبقه اجتماعی و مقام اجتماعی
۵٪	۱۳٪	۲۷٪	۳۴٪	۶۲- نیروهای سنتی و نیروهای منحول
۳٪	۸٪	۴۵٪	۴۴٪	۶۳- بنیادگرایی جدید
۲۱٪	۴۵٪	۲۸٪	۷٪	۶۴- زندگی در حومه: قلاخ

جدول شماره ۶
پوشش کشورها

این درس شامل چه کشورهایی می‌شود؟

۷۶۹٪	کشورهای خلیج [فارس]	۷۹۱٪	مصر
۷۵۵٪	هندویمن [شمالی و جنوبی]	۷۹۰٪	اسرائیل
۷۵۰٪	لیبی	۷۸۷٪	ایران
۷۳۹٪	الجزایر	۷۸۴٪	عراق
۷۳۵٪	مراکش	۷۸۴٪	لبنان
۷۳۳٪	تونس	۷۸۳٪	عمارتان سمودی
۷۳۳٪	سودان	۷۸۰٪	سوریه
۷۳۰٪	افغانستان	۷۷۶٪	اردن
۷۳۰٪	غیره	۷۷۳٪	ترکیه

توضیح: در این پرستنامه، کشورها به ترتیب الفبایی فهرست شده بودند. [در اینجا] برای سهولت بر اساس فراوانی گزینش تنظیم شد.

جدول شماره ۴

فراوان‌ترین کتاب‌های درسی ذکر شده

فراوانی ارجاعات

Goldschmidt, A.A. <i>concise History of the Middle East</i> . 3rd ed. Boulder, CO: Westview Press, 1988.	۲۳
Bill, J. A. & Spring borg, R. <i>Politics in the Middle East</i> . 3rd ed. Glenview, IL: Scott, Foresman & Co., 1990	۳۹
Peretz, D. <i>The MiddleEast Today</i> . 5th ed. New York: Praeger, 1988	۲۹
Congressional Quarterly. <i>The Middle East</i>	۲۰
Mansfield, P. <i>The Arabs</i> . 3rd ed.	۱۷
Smith, C.D. <i>Palestine and the Arab - Israeli conflict</i> . St. Martins Press, 1988	۱۶
Fisher, S.N. & Ochsenwald, W. <i>The Middle East: A History</i> . 4th ed.	۱۴
Anderson, R.R., et al. <i>Politics and Change in the Middle East</i> .	۱۲
Elon, A. <i>The Israelis: Founders and Sons</i> . New York: Penguin, 1981	۱۰
Esposito, J.L. <i>Islam: The Straight Path</i> . New York: Oxford University Press, 1988.	۹
Fernea, E. <i>Guests of the Sheik. An Ethnography of an Iraqi Village</i> . New York: Doubleday, 1965.	۹

توضیح: کمیته اخلاقیات انجمن مطالعات خاورمیانه که مسئول پاسخگویی به سئوالات
اعضاء در باره ارزیابی دانش (دفاع و حمایت از آموزش غیرمستقیم) است، در ژوئیه ۱۹۹۳ با
بخش خدمات آموزشی آزمایشی وزارت دفاع آمریکا که مسئول تهیه آزمون‌های استاندارد شده

برای نظامیان است | تماس گرفت و ضمن بیان نتایج و تجزیه و تحلیل‌های افشاگرانه‌ای که توسط اعضا صورت گرفته بود، به عدم تمایل به افشاء نام حامی و تأمین کننده بودجه این تحقیق اوزارت دفاع آمریکا اشاره کرد.

نماینده پاسخگویی بخش خدمات آموزشی آزمایشی اوزارت دفاع آمریکا، دو ماه بعد، در سپتامبر اظهار داشت که دانش پدر محافل دانشگاهی کاملاً شناخته شده است و تمام آن نتایج افشاگرانه می‌بایست شامل دو صفحه از دستورالعملی شده باشد که همراه پرسشنامه فرستاده شد. این مکاتبه برای گنجاندن احتمالی در مطالب آینده MESA Newsletter (خبرنامه انجمن مطالعات خاورمیانه) به دبیرخانه فرستاده شد.

پہرے نوشتہ ما

1. DANIES (Defence And Non-Traditional Educational Support).
2. Midaq Alley, Miramar, The Net.
3. Harem years, Guests of the Sheik.
4. Qaddafi's Green Book, Khomeini's Islam and Revolution, The Meaning of the Gloriousn Kora.